

سلبریتی‌های کذاب، قاتاق، مالیات‌گریز و اصلاح‌طلبان اعتدالی ایران... جای خالی از این‌ها می‌خواهند. اصلاح یک‌شبه می‌خواهند.

یادداشت روزنامه کیهان درباره اوضاع افغانستان:



روزنامه کیهان در یادداشتی به قلم «محمدهادی صحرایی» درباره اوضاع افغانستان نوشته است: در روزهای تجاوز آمریکا به افغانستان و اشغال این کشور، برخی نمایندگان مجلس ششم بدون ایست، دست‌ها را بالا برده و در همان ابتدای کار قافیه را باخته بودند و به جای چاره‌اندیشی بی‌شرمانه دنبال جام زهر و تسلیم کشور به دشمن بودند. دولت اصلاحات هم که مشغول ادای شهادتین برای کدخدا و اطوار گفت‌وگوی تمدن‌ها بود. نه به شدت و جدیت دولت اعتدالی که سفره مردم را به اجنبی گرو داد ولی آن دولت نیز معیشت و امنیت را به مضیقه برده بود و اگر ولی‌فقیه نبود خدا می‌داند عاقبت امروزین سوریه و عراق و افغانستان، دیروز نصیب ما می‌شد یا پریروز. بی‌دلیل نیست که تمام همت دشمنان تضعیف مصدر و مصداق ولی‌فقیه بوده و هست.

به گزارش اسپادانا خبر، در ادامه این یادداشت آمده است:

تنش‌زدایی مثل مذاکره، آزادی، حقوق بشر، حقوق زنان و... چون که اصطلاح شیکی است توسط دشمنانی که هیچ اعتقادی به آنها ندارند و خودشان ناقضان درجه یک آنها برای عوام فریبی به کار می‌رود. آنها هرگز توضیح صحیح و کامل آن را ارائه نمی‌کنند و نشانی غلط می‌دهند تا نفوذی‌ها مردمشان را به کمینگاه آنها ببرند مثلاً سران آمریکا، اسرائیل و انگلیس که سمی‌ترین دشمن بشریت‌اند و خطرناک‌ترین حکومت‌های تروریستی را رهبری می‌کنند و در صدسال اخیر هر جنگ و جنایتی که در جهان در گرفته پای برخی یا همه آنها در آن بوده است اصلی‌ترین مرتبه‌سرایان آزادی و حقوق بشر و حقوق زنان و... هستند. موجودیت‌های شروری که هرگز بر صراط مستقیم و بر اصول بشری حرکت نکردند و تفکرشان بر توطئه، تفرقه، تهدید، ترور و نامردی بنا شده است. خائنان را بورسیه و تربیت می‌کنند تا در زمان مقتضی به کارشان بگیرند و تا آنجا که می‌توانند از آنها بار می‌کشند و شیرشان را می‌دوشند و وقتی شیره آنها را گرفتند و تاریخ‌شان گذشت آنها را تفاله‌وار پرت می‌کنند و گویی هرگز آنها را نمی‌شناخته و ارتباطی نداشته‌اند.

پهلوی‌ها تا سال 57 نمونه‌های خوبی برای عبرت خلق بودند ولی امروزه نسخه‌های جدیدتری از دیکتاتورهای نوکر و خانه‌زادهای فرسوده و مستهلکی را می‌بینیم که چگونه خوار و خفیف می‌شوند و یکی پس از دیگری به اعماق تاریخ فرو می‌افتند و غیر از وبال خیانت‌ها و جنایات‌شان، لعن و نفرین مردم خود را نیز به گور می‌برند. امثال صدام و بن‌علی و مبارک و قذافی و... همگی پیش چشم ما ذلیل مرده شدند و ما فرصت دیدن سقوط آنها را در این مقطع زمانی داشتیم. همین هفته گذشته همگان فرار حقیرانه حاکم دست‌نشانده و بی‌عیرت و بی‌عرضه افغانستان را دیدند. دیکتاتورها معمولاً برای مردم خود گنده‌گو، اخمو و خشن و برای دشمنان ملت‌شان ذلیل، خنده‌رو و گریه ملوس‌اند. اشرف غنی دیکتاتور نبود ولی گنده‌گو بود. انسان بی‌ارزشی که کشور خود را در اختیار دشمن گذاشت و به قول خودش برای فرار تنها توانست شلوار و کفشی برای خود جستجو کند البته غیر از آنچه که می‌گویند به یغما برده است.

افغانستان مظلوم اگرچه پاره‌تن ایران و در دورانی نه چندان دور مهد علم و ادب بوده و پادشاهان بی‌کفایت قاجار و پهلوی آن را تلف کردند ولی اکنون به خاطر حضور نالیق‌ها و گوشه‌نشینی و شهادت لایق‌ها به فغانستانی تبدیل شده که از یادش رقت می‌بارد. علمای بزرگ آنها و مدافعان شریف حرم و شهیدان عزیز آنها تا ابد بر تارک تاریخ جانستان افغانستان می‌درخشند و ای‌کاش هنرمندانی جهادی می‌توانستند برای احیای باور ملی آنها از این مفاخرشان مستندها بسازند تا بیش از این، این دیار

کهن، مرتع مستکبران و منزل غریبه‌ها نباشد. غربت افغان و به‌ویژه شیعیان آن مرثیه‌ای جانگداز است. افغانستان را باید از نو شناخت و به خودشان شناساند تا بدانند در چه سرزمین بزرگی زیست می‌کنند. باید برای بلند شدن افغان، تاریخ را برایشان گفت و گفت که پاره جدانشده ایران‌اند و باید چون ایرانیان عزت رفته را بازیابند و بر امور خود مسلط شوند. آینده‌ای که غرب وحشی به سرکردگی آمریکا برای افغانستان ترسیم کرده همین تصویر امروزی است. آمریکا با سیاست وقیحانه و تهوع‌آورش روی بی‌شرف‌های تاریخ را سفید کرده است. از چهل سال پیش که کم‌کم به قدرت مسلمانان در توقف کمونیست آگاه شدند، نقشه به جان هم انداختن و خودخوری آنها را فراهم کردند. پول سعودی و سیاست انگلیسی و شیطنت ناخلف‌ها، تخم کینه و انحراف را در میان‌شان افکند و تکفیر و ترور را پیشه آنها کرد. آمریکا بیست سال پیش به بهانه آزادی مردم از دست طالبان و ترویج دموکراسی و مبارزه با تروریسم، خاک افغانستان را شخم زد و اشغالش کرد و قاچاق مواد مخدر راترانزیت و تجارتش را 50 برابر کرد. مردمش را به خاکستر نشانید و عروسی و عزایشان را یکی کرد. فرهنگ لجنی خودشان را به آنجا آورد تا به جای سیر کردن شکم، آنها را غریزده کند و... آمریکا ماه قبل از پایگاه خود فرار کرد و هفته پیش فیلم هواپیمای آنها مهر رسوایی نهایی به پیشانی آنها کوفت.

بعد از بیست سال خبثت و جنایت و در نهایت شکست در سیاست، جاسوسه هرزه خود را به‌عنوان فعال فرهنگی در امور زنان و دختران افغانی مأمور جنگ روانی و فعالیت فرهنگی می‌کند. کسی نمی‌پرسد آنجلینا با چه رویی از زنان و دختران افغانی دم می‌زند؟ دانش‌آموزان دبیرستان سیدالشهداء که با زبان روزه به شهادت رسیدند دختر نبودند؟ در ایران هم همصدا با این جانوران برخی سلبریتی‌های کذاب، قالتاق، مالیات‌گریز و اصلاح‌طلبان اعتدالی که هشت سال مردم را دچار وبا و طاعون کدخداپرستان کردند و سفره و اقتصاد را نابود کردند نیز برای وادار کردن ایران به جنگ با طالبان یقه‌درانی می‌کنند و آنچه لایق خود است را به مردم شریف و نظامیان غیور ایران می‌گویند. گویی زمان حمله به دانشگاه کابل و جهانی شدن پیامک جاسوز «جان پدر کجاستی؟» که جگر هر آزاده‌ای را پاره‌پاره می‌کرد لال بودند. باید دانست از وارد کردن ایران به جنگ با طالبان چه سودی می‌برند و باز چه مأموریتی به آنها سپرده شده که از دور فتوای جهاد می‌دهند؟

مردم جسارت‌های آنها به مدافعین حرم را به یاد دارند که زبان از گفتنش معذور است. به آمریکایی‌ها برای فرارشان از افغانستان، لعن و مرگ نمی‌فرستند و هم‌میهنان خود را شماتت می‌کنند؟ باید فریاد زد آهای کاسیان هرهری مسلک، آمریکا و انگلیس فرار و خیانت کردند، مردم را در فرودگاه به رگبار بستند، سگ خود را بر صندلی نشانید و مردم را به هواپیمای خود آویزان رها کردند و... چرا به مردم خود توهین می‌کنید؟ یا وقتی سفارش شده‌های شما حتی آب خوردن مردم را هم به تحریم آویزان کردند چرا به جای غلط کردیم دسته‌جمعی به دیگران اعتراض می‌کنید؟ چرا وقتی دولت و مردم سوریه و عراق و محور مقاومت که از ایران کمک و حضورش را می‌خواهند ایران نباید وارد شود ولی وقتی آمریکا از طالبان شکست می‌خورد و حکومت غریزده ساقط می‌شود ایران باید با طالبان بجنگد؟ مگر می‌شود سیاست کلان و مصلحت کشور را با وپار سیاسی و سفارتی شما تنظیم کرد؟ دگردیسی این جماعت تمام‌شدنی نیست. هنوز دولت دکتر رئیسی مستقر نشده که یکی‌یکی بهانه می‌گیرند. برخی قبلاً به فرتوت‌ترین و پنهان‌کارترین و امنیتی‌ترین و بدترین دولت رأی دادند به دولت جوان و وزرای پیشنهادی خبره و جهادی و روحیه شفاف آقای رئیسی خرده می‌گیرند. هنوز وزرای جدید نیامده برخی که اقتصاد امروز نتیجه تکرار توصیه، حقه‌بازی و حمایت هشت ساله آنها از دولت بی‌تدبیر امیدسوز است، بدون اینکه بخندند و خجالت بکشند از آقای رئیسی اصلاح یک‌شبه می‌خواهند و مثل پیش‌دبستانی‌ها لج و تهدید می‌کنند. مشخص است دغدغه اینها حل مشکلات نیست و بی‌قراری آنها برای فتنه‌گری است وگرنه اگر کمی حمیت و غیرت داشتند خود را به‌گونه‌ای گم می‌کردند که آه و نفرین مردمی که آرزوهایشان به سرقت رفته را نشنوند.

افغانستان امروز نتیجه اعتماد به نااهلانی است که احمقانه به اجنبی اعتماد کردند و آینده کسانی است که هنوز شیری برای دوشیدن دارند و سواری دشمن از آنها تمام نشده وگرنه عاقبتی به مراتب خفت‌بارتر از اشرف غنی نصیب‌شان می‌شد. خدا را شکر که در ایران ولی‌فقیه هست و مردم پشنتیان ولایت فقیه‌اند تا به مملکت‌شان آسیبی نرسد. [ن‌شاء].

برچسب ها: [خاور میانه](#) [1]

[ابراهیم رئیسی](#) [2]

[اصولگرایان](#) [3]

[اصلاحات](#) [4]